



دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات کردی دانشگاه

آزاد اسلامی واحد سنندج

دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

بررسی ریشه‌های اسطوره‌ای مراسم پیرشالیار

نسرین محمدی سراب

دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، مرکز تحقیقات کردستان‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی،

سنندج، ایران.

DOI:

به‌رواری وه‌رگرتن: ۲۰۲۵/۳/۲۸

به‌رواری قبول: ۲۰۲۵/۸/۴

صفحات: ۸۸-۱۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۱۳

چکیده

مراسم پیرشالیار عیدی باستانی با ریشه‌های اسطوره‌ای است، این مراسم به دوران قبل از اسلام و حتی زرتشت برمی‌گردد. مراسم پیرشالیار صرفاً یک نمایش نمادین، تصادفی و بازی روستایی نیست، بلکه ریشه در فرهنگ و آیین مردمان این منطقه دارد. در این پژوهش سعی بر آن شده است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ریشه‌های اسطوره‌ای مراسم پیرشالیار پرداخته شود و گوشه‌ای از این تمدن باستانی نشان داده شود. منطقه هورامان سرزمینی باستانی و اسطوره‌ای است و دارای مکان‌های تاریخی از جمله؛ معبد هورامان، سنگ کومسا، قلعه کت و مزار پیرشالیار است. رقص و سماعی که در این مراسم اجرا می‌شود یک سیر عرفانی دارد که ریشه در آیین میترائیسم دارد. در این مراسم به خاطر قداستی که دارد، حضور زنان ممنوع بوده است. در اسطوره‌های باستان به ویژه ملت کرد، تصور مادینه (مادر بودن) برای زمین به دوران کشف کشاورزی و شروع کشت برمی‌گردد، به همین دلیل انسان‌های باستان با اعمال جادویی و مراسم خاص سعی کرده‌اند تا قدرت محصول دهی و برکت زایی زمین را افزایش دهند. این مراسم، اگرچه با ورود اسلام تغییراتی کرده است، اما هر ساله با شکوه و عظمت برگزار می‌شود و اسطوره‌ای بودن خود را حفظ کرده است. این مراسم ضمن انتقال میراث فرهنگی و سنت باستانی وحدت و پیوند آیین‌های مردم این منطقه با کشاورزی و طبیعت را نشان می‌دهد و گویای ریشه‌های عمیق این آیین در فرهنگ بومی است و بیانگر ارتباط آنها با طبیعت و نیروهای حاصلخیز کننده است.

کلید واژه: پیرشالیار، هورامان، اسطوره، آیین میترائیسم

به‌دواداچوون بۆ رهگ و ریشهی ئەفسانەیی رپۆرەسمی پیرشالیار

نەسرین محەممەدی سەرەب

خوێندکاری دکتۆرا لە زمان و ئەدەبی فارسی، ناوەندی لیکۆڵێنەوێ کوردستانناسی، لقى سنه، زانکۆی نازادی ئیسلامی، سنه، ئێران.

کورتە

رپۆرەسمی پیرشالیار فیستیشالیکی دیرینه و رهگ و ریشهی ئەفسانەیی ههیه، ئەم رپۆرەسمه ده‌گەرپێتەوه بۆ سەرده‌می پێش ئیسلام و تەنانەت زەرەشتیش. رپۆرەسمی پیرشالیار تەنیا نمایشیکی ره‌مزی و هه‌ره‌مه‌کی و یاری لادیی نییه، بە‌لکو ره‌گ و ریشهی له‌ کولتوور و رپۆرەسمی خه‌لکی ئەم ده‌قه‌رده‌دا کۆتاه‌وه. لەم لیکۆڵێنەوێدا هه‌ولێک دراوه که به‌ به‌کارهێنانی میتۆدیکى وه‌سفیی-شیکارییه‌وه، ره‌گ و ریشهی ئەفسانەیی رپۆرەسمی پیرشالیار بپشکنرێت و گۆشه‌یه‌کی ئەم شارستانییه‌ته‌ دیرینه‌ پێشان بدرێت. ناوچه‌ی هورامان خاکیکی کۆن و ئەفسانەیییه‌ و شوێنی میژوویی هه‌یه له‌وانه‌؛ په‌رستگای هورامان و به‌ردی کۆمسا و قه‌لای کات و گۆری پیرشالیار. ئەو سه‌ما و مۆسیقایه‌ی لەم مه‌راسیمه‌دا پێشکەش ده‌کرێت، رپایزیکى عیرفانی هه‌یه که ره‌گ و ریشه‌ی له‌ ئایینی میترایدا هه‌یه. به‌هۆی پیرۆزییه‌که‌یه‌وه ئاماده‌بوونی ژنان لەم مه‌راسیمه‌دا قه‌ده‌غه‌ بوو. له‌ ئەفسانه‌ کۆنه‌کاندا و به‌تایبه‌ت له‌ ناو گه‌لی کورددا، بیره‌که‌ی مینه‌یه‌ی (دایک)بوونی زه‌وی ده‌گەرپێتەوه بۆ دۆزینه‌وه‌ی کشتوکال و سه‌ره‌تای چاندن. هه‌ر له‌به‌ر ئەم هۆکاره‌ مرۆفه‌ کۆنه‌کان هه‌ولیان ده‌دا هه‌یزی به‌ره‌مه‌پێنان و به‌ره‌که‌تی زه‌وی به‌ پراکتیزه‌کردنی سیه‌راوی و رپۆرەسمی تایبه‌ت زیاد بکه‌ن. هه‌رچه‌نده‌ ئەم رپۆرەسمه‌ له‌ گه‌ل هاتنی ئیسلامدا هه‌ندیک گۆڕانکاری به‌سه‌ردا هاتوه‌وه، به‌لام هه‌موو سالیکی به‌ شکۆمەندییه‌کی زۆره‌وه به‌رپۆه‌ده‌چیت و سه‌روشتی ئەفسانەیی خۆی پاراستوه‌وه. ئەم رپۆرەسمه‌ و پرای گواستنه‌وه‌ی میراتی کولتووری و نه‌ریتی دیرین، یه‌که‌ریزی و گرێدانی رپۆرەسمه‌کانی خه‌لکی ئەم ناوچه‌یه‌ به‌ کشتوکال و سه‌روشته‌وه‌ نیشان ده‌دات و ئاماژه‌یه‌ بۆ ره‌گ و ریشه‌ی قوولی ئەم رپۆرەسمه‌ له‌ کولتوری په‌سه‌ندا و گوزارشت له‌ په‌یوه‌ندییه‌کانیان له‌ گه‌ل سه‌روشت و هه‌زه‌کانی به‌خپۆکردن ده‌کات.

وشه‌ی سه‌ره‌کی: پیرشالیار، هه‌ورامان، ئەفسانه‌، میتراییزم

۱- مقدمه:

۱_۱- بیان مسئله

اسطوره‌ها وقایع باستانی هستند که با گذشت زمان به افسانه تبدیل شده‌اند. و بازگو کننده فرهنگ، باور و جهان بینی یک ملت و سرزمین است. «اسطوره واقعی مقدس است، به همین سبب سرمشق می‌شود و در نتیجه تکرار پذیر می‌گردد، زیرا مانند الگو عمل می‌کند، به همین دلیل به مثابه توجیهی برای تمام کردارهای انسان است. اسطوره‌ها تاریخی راستین هستند که در سرآغاز زمان روی داده‌اند و الگویی برای رفتار انسان فراهم آورده است» (میرچالیا؛ ۱۳۸۱: ۲۳). مردم ایران باستان به جشن‌ها و مراسم مذهبی اهمیت خاصی می‌دادند و انجام این مراسم نقش مهمی در زندگی آنها داشته است. جشن‌ها و آیین‌های مذهبی و باستانی هر جامعه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آن جامعه بستگی دارد. خاورمیانه هم که یکی از مراکز مهم ادیان، جشن‌ها و آیین‌های مذهبی است، دارای آیین‌ها جشن‌های باستانی است. «در گروه‌ها و جامعه‌های ابتدایی، جشن‌ها خود نوعی آداب و مناسک دینی است و برای خوشنودی نیروهای ماوراء الطبیعه و در پیرامون (توتم^۱) قبیله برگزار می‌شود.» (روح الامینی؛ ۱۳۷۶: ۱۹)

چالیاچه معتقد است که: «هر نوع جشن و مراسم مذهبی و مراسم های آیینی و نیایشی که در زمان حال انجام می‌شود، تکرار حادثه های مقدسی است که در گذشته ای افسانه ای انجام می‌شده است. شرکت کنندگان در این مراسم همدیگر را در ظهور نخستین زمان مقدس چنان که در ازل ظاهر شده است دیدار می‌کنند.» (چالیاچه؛ ۱۳۸۱: ۵۵). کردها یکی از اقوام باستان هستند که دارای باورها و اعتقادات فرهنگی خاص خوداند هستند و از گذشته‌های دور تاکنون توانسته‌اند با وجود حوادث گوناگون، تحولات اجتماعی و تغییر حکومت‌ها، رونق و تازگی خود را حفظ کنند. «کوه‌ها و دره‌های هورامان نیز همچون بخشی از رشته کوه‌های زاگرس انواعی از این آداب و رسوم را در دل خود به وجود آورده و پرورش داده و تا به امروز نیز توانسته است بعضی از آنها را در سینه خود حفظ نماید.» (محمدپور؛ ۱۳۹۴: ۲۱). یکی از مراسم و آیین‌های باستانی که

۱. در زبان سرخ پوستان آمریکای شمالی به معنای حیوان یا گیاهی است که مورد احترام و تقدیس قبیله و وسیله تمایز قبیله‌ها از یکدیگر است.

دارای ریشه‌های اسطوره‌ای است مراسم «پیرشالیار» است که در منطقه هورامان کردستان هر ساله با شکوه و احترام در میان مردم برگزار می‌شود.

در پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی ریشه‌های اسطوره‌ای مراسم پیرشالیار پرداخته می‌شود، تا نشان بدهیم که ریشه باستانی و اسطوره‌ای این مراسم مربوط به چه دوران و زمانی است و با گذشت زمان دچار چه تحولاتی شده است؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

سرزمین همواره کردستان به ویژه مناطق هورامان که مهد و خاستگاه تمدن، فرهنگ، آیین و مراسم باستانی بوده است مورد توجه بسیاری از مورخین و پژوهشگران داخلی و خارجی بوده است. مراسم پیرشالیار که یکی از مراسم‌های باستانی است، در مورد آن کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده و در لابلای کتاب‌های تاریخی مناطق کردنشین هم به آن اشاراتی شده است؛ در این جا به چند نمونه از این کتاب و مقاله‌ها بسنده می‌کنیم. (گیلانی و دلپاک ۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان بازمانده آیین‌ها و جشن‌های دوران کهن در هورامان و کردستان، معتقد هستند که مراسم پیرشالیار تنها یک مراسم عروسی نیست، بلکه بازمانده جشن سده است که بعدها رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته است. سبحانی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان نشانه‌شناسی مراسم آیینی پیرشالیار در منظر فرهنگی هورامان، بر این باور است که این مراسم از نظر شناسه شناختی از یک آیین عرفانی روایت می‌کند. محمودپور (۱۳۹۴) در کتابی تحت عنوان پیرشالیار هورامان به طور مفصل به این مراسم پرداخته است و تعاریف کاملی در مورد بخش‌ها و مراحل مراسم باستانی داده است. صفریان (۱۳۸۴) در کتاب خود، یادداشت‌هایی پیرامون مهرپرستی در کردستان، به مراسم پیرشالیار اشاره کرده است. محمودی (۱۳۹۳) در کتاب پیرشالیار هورامان، با یک تحقیق مردم‌شناسی در حوزه بررسی روایت‌های موجود پیرشالیار و بن‌مایه‌های مراسم وی است. مردوخ (۱۳۸۳) در کتاب تاریخ سلاطین هورامان، چند صفحه‌ای را به زندگی و شخصیت عرفانی پیرشالیار اختصاص داده است و در نهایت محمودی (۱۳۵۷) در کتاب پیرشالیار هورامان هم به طور خلاصه و مختصر به این مراسم و مناطق هورامان پرداخته است. به علاوه در برخی کتاب‌های دیگر همچون تذکره‌ها به شخصیت پیرشالیار به اختصار بدون توجه به مراسم آن پرداخته‌اند.

۳. مبانی نظری

۳_۱. اسطوره و آیین

بسیاری از مراسم و آیین های مذهبی و فرهنگی ریشه در اساطیر و باورهای کهن دارد. اسطوره ها حاوی نهادها، الگوها و مفاهیمی هستند که مردم باستان برای درک جهان پیرامون خود و پدیده های طبیعی از آن استفاده می کردند. بسیاری از این نمادها و مفاهیم به مرور زمان جنبه مقدس پیدا کرده و به بخشی از آیین ها و مناسک مذهبی تبدیل شده اند. چالپاده، مورخ ادیان، اسطوره را نقل کننده سرگذشت قدسی و مینوی می داند. اسطوره را راوی واقعه ای می داند که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه چیز رخ داده است، هم چنین اسطوره را راوی و بازگو کننده یک خلقت می داند. « اسطوره ها معمولاً به خدا یا رب النوع و موجودی الهی مربوط می شوند. و با فرهنگ های ابتدایی یا با دوره های کهن فرهنگ های پیشرفته پیوسته است. اسطوره، توضیح می دهد که چرا در آن جامعه بعضی آیین ها معمول است و منشأ یا پیدایش قانون و طبقه حاکم و ساختارهای اجتماعی را روشن و توجیه می کند و گزارش داد و ستد میان خدایان و بشر است و تعریف تکامل بعضی پدیده های طبیعی». (ستاری ۱۳۷۴: ۱۰۱)

۳_۲ ریشه اسطوره آیین میترا و مهر پرستی

آیین میترا و مهر پرستی یکی از دین های باستانی که در ایران باستان رواج داشت. میترا (Mathras) در اساطیر ایرانی به عنوان یکی از ایزدان مهم شناخته می شود و در متون زردشتی بویژه در اوستا نام او به چشم می خورد. میترا به عنوان خدای نور و حقیقت، نماد دوستی و پیمان هاست. او به عنوان حامی انسانها در برابر نیروهای شر در تاریکی شناخته می شود. هاشم رضی در کتاب خود در مورد ریشه اسطوره ای میترا این چنین می گوید: « پیش از آفرینش دنیا، شخصی به نام زروان (zrvan) بود که آن را (فر) یا (بخت) ترجمه می کنند. وی مدت هزار سال قربانی و عبادت کرد تا صاحب فرزندی به نام اورمزدا (خدای نیکی) شود، اما زمانی که آبستن بود متوجه شد که دو قلو آبستن شده است و صاحب دو فرزند به نام های اورمزدا و او اهرمن (شیطان) شد و قرار بود که هر کدام زودتر به دنیا بیایند پادشاه جهان شوند، اهرمن با نیرنگ و حيله اول به دنیا آمد و به خاطر پادشاهی میان دو برادر اختلاف و جنگ به وجود آمد و برای میانجی و داوری میان این دو نیروی خیر و شر میترا یا داور آسمانی آفریده شد. پس میان

زرتشتیان میترا/ میتریس Mithres داور خدا و شیطان شناخته شد و ایرانیان باستان او را مهر یا میترای میانجی می نامند. (رضی ۱۳۸۲: ۲۱۷).

میترائیسم یا آیین مهر پرستی که در شکل گیری دین زرتشت نقش بسزایی داشت، حدود چندین قرن در کوههای زاگرس به حیات خود ادامه داد. وجود غارها و تخته سنگهای زیادی از جمله مسائلی است که زاگرس را به جایگاه مناسبی برای پرورش آیین حماسی و کهن فراهم کرده بود. «در کهن ترین متن مکتوب بر جای مانده از کردستان که در سال ۱۳۰۵ ه.ش از ناحیه هورامان به دست آمده است و حالا در موزه لندن نگه داری می شود. ما رگه های زیادی از این آیین را به وضوح می بینیم» (صفریان؛ ۱۳۵۰: ۵۹).

۳-۳. هورامان.

هورامان منطقه ای اسطوره ای و باستانی است که از نظر تاریخی اهمیت ویژه ای دارد. این سرزمین کوهستانی در بین رشته کوههای زاگرس قرار دارد، طبیعت بکر و خشن آن باعث شده است تا مردمانی کوشا و پرتلاش درخود پرورش دهد. مردمان آنجا به آبادانی اهمیت ویژه ای می دهند، این منطقه با قرار گرفتن در همسایگی تمدن های بزرگ چون بابلی ها، آشوری ها، لولو ها، پارت ها و ارمنی ها موجب شده که فرهنگ و تمدن غنی و پرباری داشته باشند. «هورامی واژه اصیل زبان فارسی است که به دست فراموشی سپرده شده و به جای آن کلمه ی «هورآمان» واژه ای اصیل و محلی است و دارای معانی زیادی از جمله؛ فردی که آراسته به صفات پسندیده و برتری های خداداده اش «هورآمان» گویند، آتش مشتعل و فروزان را نیز «هورآمان» گویند» (سلطانی هورامی؛ ۱۳۲۰: ۳۵۵). از جمله سرمایه های باستانی و اسطوره ای مردم هورامان، لباس پوشیدن، خوراک، زبان، ترانه های محلی و اعیادی است که هر ساله برگزار می شود. یکی از مراسم باستانی هورامان، مراسم «پیرشالیار» یا «جه ژنه و پیری» است، این مراسم هر ساله با شکوه و عظمت خاصی در «هورامان تخت» که روستایی بزرگ در منطقه است و در اصطلاح خودشان «شار» یا «دگا^۱» می گویند، برگزار می شود در گذشته های دور، «هورامی ها مردمی زرتشتی بوده و نور و روشنایی را مقدس و مظهر قدرت پروردگار دانسته اند و زرتشت را پیامبر بر

^۱ دگا در ایران باستان به محل تجمع و سکونت های دائمی گفته می شود.

حق و اوستا را کتاب دینی خود دانسته اند و اهورامزدا را خدای یکتا دانسته و پرستش نموده اند.» (شیدا؛ ۱۳۸۳: ۲۱)

۳_۴. پیرشالیار

پیرشالیار یکی از شخصیت های مهم و محبوب در فرهنگ و فولکلور مردم کردستان بویژه منطقه هورامان است. پیرشالیار به عنوان یک شخصیت مذهبی و عرفانی شناخته شده است و داستان ها و افسانه های زیادی در موردش وجود دارد. پیرشالیار به عنوان نمادی از وحدت و همبستگی در میان مردم کرد شناخته شده است و در فرهنگ، ادبیات و هنرهای نمایشی نیز تأثیرگذار بوده است. بابا مردوخ در کتاب تاریخ مشاهیره، پیرشالیار را این چنین معرفی می کند: «سیدمصطفی، مشهور به «پیرشالیار» اهل هورامان کردستان، مردی فاضل و عارف، معاصر قطب الطریقه شیخ عبدالله گیلانی (۵۶۱-۴۷۱) و از منسوبان آن بزرگوار بوده است. از زادگاه خود برای کسب دانش و اخذ طریقه تا بغداد رفته و پس از خاتمه کار و رسیدن به مطلوب، مراجعت کرده است. سید مصطفی از سادات حسینی است و نسبتش سید علی عریضی از فرزندان امام محمد باقر منتهی می شود.» (روحانی؛ ۱۳۸۲: ۴۷) پس بنابر گفته روحانی، پیرشالیار مسمان و پیرو مکتب عرفانی قادریه بوده است و از طریقت آنها پیروی کرده است.

«پیروان قادریه مراسم خود را آشکارا با حضور عده زیادی از مشاهیرین انجام می دهند و پیروان این طریقت، وصول به حق و درک حقیقت و صفای روح را در قیل و قال و سماع می دانند و بر این عقیده هستند که لذت جسم موجب شادمانی روح می شود، به همین جهت مجالس خود را با حضور مرشد ادامه می دهند و دف زنان نیز دف می زدند و با آهنگ مخصوص سر و گردن خود را ابتدا آهسته و به تدریج سریعتر حرکت می دهند.

پس از چند ساعت به حال و شغف عرفانی دست می یابند و درویش در این مرحله بیخودی که گویا از باده وحدت سرمست شده، انواع رفتارهای خارق العاده مثل: سیخ و خنجر به گلو و شکم و چانه خود می کنند و این حرکات را چندین مرتبه انجام می دهند» (صفی زاده؛ ۱۳۷۸: ۱۶۴). در آیین میترائیسم، جوانان تازه وارد وقتی به پیشگاه میترا معرفی می شدند، باید هفت مقام از درجات هفت گانه مهرپرستی را پشت سر بگذارند که مقام پیر آخرین درجه و مرحله ای از

مقام‌های هفتگانه آیین میترائیسم بوده است. پیر در اعتقاد و باور میتریایی بالاترین و مقدس‌ترین جایگاه را داشته و میترا و جانشینان وی بر روی زمین پیوند یافته است.

۵_۳. معبد هورامان

معبد و مکان‌های مقدس هورامان نمایانگر تنوع فرهنگی و مذهبی این منطقه است. این مکان‌ها به عنوان جایگاهی برای تجمعات مذهبی و فرهنگی عمل می‌کنند و بخشی از هویت مردم هورامان را تشکیل می‌دهند. کاوندیش در کتاب خود، از معبد به عنوان جزیره آفرینش یاد می‌کند و می‌گوید: «معبد به عنوان مکانی جهت حفاظت از تندیس خدا به عنوان مرکزی جهت پرستش و جایی برای دسترسی به خدا بوده، هر معبد از دیدگاه اسطوره‌شناسی و معماری، به مثابه بازآفرینی سنگ جزیره آفرینش تلقی می‌شد، یعنی جایی که نخستین خدا فرود آمد، و سرپناهی به وی داده شده بود. بر اساس اسطوره‌ها قبل از آفرینش کیهان هرج و مرج وجود داشت، آب سطح زمین را پوشانده بود، تاریکی غلبه داشت و خدایی در کار نبود. پس از میان آب‌ها جزیره‌ای گلین ظاهر شد در اینجا نخستین ضریح مقدس هویدا گشت» (کاوندیش؛ ۱۳۸۷: ۱۴۰).

معبد باستانی هورامان یکی از معابد باستانی ایران است که در جنوب شرقی هورامان قرار دارد. هر ساله در این معابد آیین‌ها و مراسم باستانی با حضور گسترده مردم انجام می‌شود. چالایده اسطوره‌شناس معروف معتقد است که: «هر پدیده‌ای در گیتی چه مجرد باشد، چه مجسم، نمونه مینوی و مثالی افلاطونی وار دارد که برین و ناپیدا است. هر چیزی که در گیتی پدیدار شود در همان زمان به صورت مینوی «آسمانی» نیز وجود دارد. از نظر بند هشتی مرحله مینوی بر مرحله دنیوی پیشی دارد. از نظر پیشینیان معبد نمونه‌اعلای مکان مقدس و دارای نمونه مینوی است» (چالایده؛ ۱۳۸۴: ۲۰).

معابد هورامان شامل چند بخش است:

۳_۵_۱ چله خانه

چله‌خانه‌ها مکان‌هایی هستند که در آنجا عارفان و زاهدان برای انجام ریاضت‌های روحانی و عبادت اقامت می‌کنند. این مکان‌های معمولاً در نقاط دور افتاده و طبیعی قرار دارد. معابد و چله خانه‌ای که در هورامان وجود دارد، به زمان آیین میترائیسم برمی‌گردد. «پرستندگان میترائیسم (مهر) غالباً پرستش خود را در دخمه‌هایی که در دل صخره‌ها می‌کنند و به عنوان جایگاه مقدس

برمی‌گزیدند، برگزار می‌کردند و ترجیح می‌دادند که این پرستشگاه در جایی باشد که چشمه‌ای از خاکش می‌جوشد و یا نهری از کنارش می‌گذرد. محراب پرستشگاه کنده کاری از میترا در حال قربانی کردن گاو داشت. کشتن گاو بدین صورت بوده که میترا جانور وحشی را می‌کشد و پایش را گرفته و به درون غار می‌کشانند و آنگاه تیغی پهن در سینه حیوان فرو می‌کرد». (قدیانی؛ ۱۳۴۲: ۹۳). چله خانه هورامان یک مکان دست ساز است که از سنگ درست شده است و سقف آن هم از سنگ است. در کوچکی دارد که تنها یک نفر آن هم به صورت خمیده می‌تواند وارد شود. «در بیرون اتاق یک تخته سنگ بزرگ مسطح قرار دارد که روی آن تعدادی قلوه سنگ به اندازه یک حبه قند قرار دارد. قلوه سنگ‌ها را به طور تقریبی به دو دسته تقسیم می‌کنند و سپس جفت جفت کنار هم قرار می‌دهند و بر این باور هستند که اگر سنگ‌ها به صورت جفت در آید خواسته و آرزوی آنها برآورده می‌شود و اگر به صورت تک یا فرد در آید خواسته آنها برآورده نمی‌شود». (رنوف پور؛ ۱۳۹۴: ۵۶)

۳-۵-۲. رسم چله کشی

رسم چله کشی که در دخمه‌ها و غارها انجام می‌شد، در اسلام و آیین میترائیسم و آیین‌های پیش از اسلام نیز^۱ وجود داشت در دین اسلام در جاهایی مانند غارها و دخمه‌ها شخص چله کش به مدت ۴۰ روز در درون غار به ریاضت و تهذیب نفس می‌پرداخت. چله کشی در میان صوفیان و طریقت (نقشبندیه^۲) مرسوم بوده است، اما در آیین زرتشتی ریاضت و چله کشی و تهذیب نفس نقش و جایی نداشت و تمام تلاش خود را صرف عمران و آبادانی و خوشگذرانی می‌کردند. در آیین میترائیسم هم رهبران دین در درون غارها و دخمه‌ها به عبادت و ریاضت می‌پرداختند، قدمت و پیشینه مراسم چله کشی و چله خانه در منطقه هورامان به دوران میترائیسم و مهرپرستی بر می‌گردد. پس غارها نقش بسزایی در ادیان‌ها دارد. الیاده در مورد ریشه اسطوره غارها این چنین می‌گوید: «در دوره پارینه سنگی غارها از اهمیت دینی برخوردار بودند. در دوره‌های پیش تاریخی،

۱. بر مبنای منابع قابل اعتماد پیامبر اسلام سالهای متمادی پیش از نبوت به غار حرا می‌رفت و با خود خلوت می‌کرد و اولین وحی در همان غار به او شد.

۲. یکی از طریقت‌های عرافان بر تصوف است که منصوب به خواجه بهالدین نقشبندی بخاری (۷۱۸-۷۹۱) است

غار که اغلب به هزار تو تشبیه می شد و یا به شکل آیینی به آن تغییر شکل می داد، بی درنگ صحنه رازآموزی و مکان دفن مردگان می شد. هزارتو به نوبه خود، با زمین مادر همسان گرفته شد» (چالیاده؛ ۱۳۸۱: ۶۶). آداب و رسوم چله کشی در هورامان نه تنها به عنوان یک عمل مذهبی بلکه به عنوان یک راه برای خودسازی و تقویت ارتباط با خداوند شناخته می شود این سنت ها نشان دهنده عمق معنوی و فرهنگی مردم این منطقه است.

سنگ کومسا

ریشه های اسطوره ای سنگ ها مقدس نشان دهنده ارتباط عمیق انسان با طبیعت، تاریخ و دنیای معنوی است. این سنگ ها نه تنها به عنوان اشیاء فیزیکی بلکه به عنوان نمادهایی از قدرت، حفاظت و معنویت در فرهنگ های مختلف مورد احترام قرار می گیرد. اعتقاد به سنگ های مقدس در میان ادیان و ملل وجود دارد. «اگر سنگی یافت شود که از نیروی ماورا الطبیعه برخوردار است از این جهت است که روحی خود را با آن مربوط ساخته است. استخوان یک مرده با خود (مانا^۱) دارد، زیرا شیخ با استخوان همراه است، انسان می تواند با یک شیخ یا روح چنان رابطه نزدیکی داشته باشد که با مانای درونش و آن را چنان هدایت کند که به خواسته هایش جامه عمل بپوشاند» (چامیرالیاذه؛ ۱۳۸۱: ۱۲۴)

سنگ کومسا در درون معبد باستانی هورامان قرار دارد، این سنگ قسمتی از آن زیر زمین قرار گرفته و قسمت بزرگتر آن زیر خاک است. مردم منطقه معتقد هستند که این سنگ نیروی ماوراء الطبیعه دارد و موجب خیر و برکت برای مردم و منطقه می شود. رئوف پور در کتاب خود (پیرشالیار) معتقد است که؛ «سنگ کومسا در زمانی مشخص شکسته می شود و مردم برای تبرک خرده سنگ ها را میان خود تقسیم می کنند، اما نکته جالب این جاست که به همان شکل خود باقی می ماند انگار که اصلاً سنگ شکسته یا خرد نشده است و این بیانگر تقدس سنگ کومسا است» (محمودپور؛ ۱۳۹۴: ۷۵).

۳_۵_۳ مکان مقدس

۱. نیروی ماوراء الطبیعه است. اما خود را به صورت نیروی فیزیکی یا هر خیر و فضیلتی که انسان در اختیار دارد، نشان می دهد.

مکان‌هایی مقدس در فرهنگ‌های مختلف به عنوان نقاطی با اهمیت معنوی و مذهبی شناخته می‌شوند. این مکان‌های معمولاً به باورهای و افسانه‌های خاصی مرتبط هستند که به آنها معنا و اهمیت می‌بخشد. مکان مقدس جایی است که در اعتقادات و ادیان باستانی، مبارک و مقدس است و مردم آن منطقه هر ساله در زمان و مکانی خاص آیین‌ها و مراسم خود را برگزار می‌کنند. مکان مقدس در پی یک گسیختگی و شکاف در سطوحی که ارتباط با جهان ماوراءالطبیعه و واقعیت‌های متعالی و مافوق تجربه بشری را امکان‌پذیر می‌سازد، خود را تشکیل می‌دهد. در چنین مکانی است که انسان می‌تواند با جهان دیگر، جهان موجودات الهی یا نیاکان ارتباط برقرار کند. یک مکان می‌تواند از طریق یک تجلی قدسی تقدیس شود، اما انسان ضمناً می‌تواند با اجرای بعضی از مراسم و آیین‌های خاص یک مکان مقدس بسازد. پس مکان مقدس جایی است که ارتباط برقرار کردن میان این دنیا و آن دنیا را در اوج آسمان و یا در اعماق دنیای خدایان یا دنیای مردگان از آنجا امکان‌پذیر باشد، مثلاً در اسامی بعضی از معبد و شهرهای سلطنتی بین النهرین نمایان است، مثلاً؛ نیپور (nipur)، لارسا (larsa) بابل که به نام (راه ارتباط میان آسمان و زمین خوانده شده است) (چالیاذه؛ ۱۳۹۲: ۱۹۶).

۳_۵_۴_ گذرگاه مقدس _ میدان جم _ قلعه کت (qelawkete)

«این گذرگاه که مابین (میدان تجمع) و سنگ کومسا قرار دارد، جایی مقدس است و مردم منطقه معتقد هستند که عبور از آنجا باعث شفا و سلامتی بیماران و دفع ارواح می‌گردد. میدان جم در جوار مزار «پیرشالیار» واقع شده است و هر ساله بعد از گذشت چهل و پنج روز از فصل بهار مراسم کومسا در این میدان برگزار می‌شود» (محمودپور؛ ۱۳۹۴: ۸۵).

قلعه کت در شرق معبد مشرف به روستای بلبر قرار دارد. مردم منطقه معتقد هستند که این قلعه در دوران باستان محل تاخت و تاز هخامنشیان بوده است و یا احتمالاً محل زندان ضحاک بوده است.

۳_۵_۵_ درخت مقدس

در معبد هورامان درختی تنومند وجود دارد. مردم منطقه این درخت را مقدس و با برکت می‌دانند و باعث شفای بیماران است. در قسمت دیگر این درخت، درخت دیگری وجود دارد که از آن برای شفای نازایی زنان یاد می‌کنند. «برخی از درختان در فرهنگ بسیاری از اقوام باستانی جایگاه

ویژه‌ای داشته‌اند و نمادی از ایزد، کیهان، زایش، باروری، دانش و حیات به شمار می‌آمدند. افزون بر آن کهنسالی، سرسبزی و جوان شدن شاخه‌های درخت هم انگیزه‌ای برای تقدس و برکت زایی درختان بوده است. برای اقوام درخت را همچون عناصر دیگر طبیعت مقدس می‌شمارند و از آن یاری و برکت می‌طلبیدند. درخت صورت و نماد تطور و نو شدگی انگاشته شده است که یادآور اسطوره بازگشت جاودانه به اصلی واحد است» (علیرضا؛ ۱۳۹۸). اکثر مردم ایران در دوران باستان قوای طبیعت را می‌پرستیدند و آن را «دیوی» (diva) می‌گفتند و تجسم نیروهای طبیعی مانند؛ آب، خاک، باد، سنگ، درختان و است. در کل طبیعت پرستی و عقیده به وجود خدایان گوناگون هسته مرکزی عقاید آریاییان را تشکیل می‌داد و به وجود خدایان شر در مقابل خدایان خیر عقیده داشتند. «در یک رسم باستانی که از مدیترانه تا هند به آن برمی‌خوریم بدین قرار است که درختی زیبا را که در روستا جدا از دیگر درختان روئیده اغلب نزدیک چشمه آبی است، برای باطل کردن سحر و جادو مناسب می‌دانند و زنان نازا با دستمال‌های قرمز رنگ بر درخت دخیل می‌بندند، گویی درخت از گل قرمز پوشیده شده‌باشد». (آلن گربران؛ ج، ۳: ۱۹۶)

۳_۵_۶_ زمان مقدس

مراسم و آیین‌های منطقه هورامان دارای زمان و مکان مقدس است و مردم منطقه هر ساله با شور و اشتیاق فراوان آن را برگزار می‌کنند. روز کومسا که از اعتقادات باستانی مردم هورامان است هر ساله به مدت سه روز (چهارشنبه تا جمعه با شکوه و عظمت برگزار می‌شود. «هر نوع جشن و مراسم مذهبی و آیینی و نیایش که در زمان حال انجام می‌شود، تکرار حادثه‌های مقدسی است که در گذشته افسانه‌ای انجام شده است. این مراسم و آیین‌ها هنوز تمام نشده است. همراه با هر جشن و مراسم دوره ای شرکت کنندگان همان زمان مقدس را در می‌یابند، شرکت کنندگان در این مراسم همدیگر را در ظهور نخستین زمان مقدس چنانکه در ازل ظاهر شده است، دیدار می‌کنند. انسان مذهبی در دو نوع زمان زندگی می‌کند، که زمان مقدس مهمتر است. انسان مذهبی منحصرًا از زندگی در آنچه که زمان حال نامیده می‌شود برمی‌تابد و دوباره به دست آوردن زمان مقدس، که از دیدگاه ابدیت همسان است تلاش می‌کند.» (چالایاده؛ ۵۵_۱۳۷۵: ۵۶)

۳_۵_۷_ پرواز جادویی

پرواز به آسمان یکی از آرزوهای دیرینه بشر بوده است، که در اسطوره‌ها به زیبایی تبلور یافته است. در اسطوره‌های ایران مثل شاهنامه روایتی از «درخشیدن جم در آسمان»، «پرواز جادویی زال»، «آسمان پیمایی کاووس» و «عروج کیخسرو» وجود دارد. نیروی پرواز در زمان اساطیری، بین همه انسان‌ها مشترک بوده است، به طوری که تصویری‌های اسطوره‌ای «تصویر روح به شکل پرنده» تقریباً در سراسر جهان یافت می‌شود. چالیاچه در مورد پرواز جادویی، این چنین می‌گوید: «(هوکارِت A.M.Hocrt) درباره حق حاکمیت پرواز جادویی آن را بخش جدایی ناپذیر از نهاد خدا-شاهان در نظر می‌گیرد. شاهان آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه، از منزلت رفیعی برخوردار بودند و هم شأن خدایان قلمداد می‌شدند و هرگز نباید پا بر زمین می‌گذاشتند و مانند خدایان در هوا پرواز می‌کردند. خدا انگاری شاهی تاریخی طولانی دارد و حتی پیش تاریخی در مشرق زمین دارد» (چالیاچه؛ ۱۳۸۱: ۹۷).

مردم هورامان معتقد هستند که پیرشالیار در روز عروسی خود، زمانی که مردم مشغول برگزاری مراسم بودند، پس از چند بار چرخیدن در بالای سر مردم به نقطه‌ای رفته و غیب شده است. پیرشالیار علاوه بر اینکه در روز عروسی قدرت پرواز کردن را به دست آورده، قدرت غیب شدن هم داشته است. غیب شدن نوعی عبور کردن و گذشتن از زندگی معمولی است که تنها مختص افراد مقدس و شاخص است و یک توان معنوی و نیروی مافوق بشری که نزد مردم ماندگار می‌ماند. «در اعتقادات باستانی پیران هورامان غیب شدن توسط چند نفر از پیران انجام شده است، از جمله «پیرمحمد غیبی» در نزدیکی روستای «هانه گرمه له» و دو نفر از پسران پیرشالیار بوده است و «پیراسم» پسر دیگر پیرشالیار که مورد خشم پدر واقع می‌شود و به دعای پدرش غیب می‌شود» (محمودپور؛ ۱۳۹۴: ۱۱۱).

۳_۶_ ریشه شناسی واژه (پیر) (شالیار)

با آنکه در برخی منابع غیر قابل اعتماد برای واژه پیرشالیار ریشه‌های مختلفی آماده است، اما تاکنون پژوهشی بر مبنای دیدگاه ایتیمولوژیست^۱ از این واژه نشده است. از این رو تا هنگامی که تحقیق جامعی در این زمینه نشود نمی‌توان براساس برخی منابع اظهار نظر کرد. علامه دهخدا در این باره گفته: پیرشهریار یا (پیرشالیار) در اورامان پیری روحانی از مغان زرتشتی بوده است که به

^۱ Etymology.

پیرشهریار- که به زبان کردی او را پیرشالیار خوانند، شهرت دارد (دهخدا، ج ۴؛ ۱۳۷۳: ۵۱۷۶). ریشه پیر شریار در پهلوی (Shathredhar, Shârdar) نگهبان شهر از Shâthr شتر، شهر، شار+sar (از داشتن) که بعداً فونم (d) به (y) تبدیل شده (Shay=ryar)، واج (د) در کردی هورامی، فونیمی اصیل است. در کردی سورانی چون تلفظ این واژه دشوار است در بیشتر واژه‌ها به (ی) تغییر می‌یابد و یا حذف می‌شود. پیرشالیار در اوستا به صورت (xshâthroDara) است. شهریار (پیرشالیار) پادشاهی بزرگ یا بزرگی را گویند که از همه پادشاهان عصر خود بزرگتر باشد و کلانتر و بزرگ شهر را گویند، در مجموعه این ترکیب به معنای مهتر، بزرگ و عالی در آیین و قدرت است. (برهان قانع، ج ۳: ۱۳۱۶)

۳_۷_ جشن (زماوند) پیرشالیار

جشن پیرشالیار یکی از جشن‌های مهم و باستانی در هورامان است. این جشن به نوعی یادآور اسطوره‌ها و افسانه‌های محلی است و به شخصیت تاریخی پیرشالیار مربوط می‌شود و نه تنها این مراسم به عنوان یک مناسبت فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شود، بلکه به نوعی نماد همبستگی و اتحاد میان مردم منطقه است. «اسطوره منظر آیینی جشن را می‌آفریند و نه تنها زمان جشن، بلکه مکان جشن را نیز تعیین می‌کند. جشن را می‌توان از سرگیری اسطوره در فعلیت و روزآمدی تام و تمام، بازی نقش بزرگ اسطوره توسط بازیگران، یعنی همه اجتماع دانست. این چنین جشن‌هایی بیانگر هستی‌شناسی عمل تکرار که مشخصه مردم بدوی دانست. جشن، بازی بزرگ اجتماع مشتاق، و تجدید عهد سرآغاز بزرگ (همه چیز) و نمایش دادن، هستی‌شناسی و معرفت الوجود است.» (ستاری؛ ۱۳۱۰: ۱۰۶)

مردم ایران باستان به جشن‌ها و مراسم مذهبی اهمیت خاصی می‌دادند و این مراسم نقش مهمی در زندگی آنها داشت. مردم هورامان در هر سال دو بار جشن پیرشالیا را برگزار می‌کنند: «اولین جشن که به عروسی پیرشالیار معروف است در نیمه زمستان و دیگری در نیمه بهار برگزار می‌شود. این جشن هر ساله با حضور جمع کثیری از دوست داران فرهنگ و هنر در اورامان برگزار می‌شود و یاد آن کیش مهر پرستی است که نشانه‌های آن در هیچ جایی از ایران باقی نمانده است. مراسم در چهلمین روز زایش مهر در اورامان برگزار می‌شود و زمانی که زمین شروع به نفس کشیدن می‌

کند، آنها مراسم دوم یا مراسم سال نو را با ریختن خون قربانی برای پیرشالیار شروع میکنند» (صفریان؛ ۱۳۸۴: ۴۴).

این جشن و مراسم که هرساله به صورت مردمی و خود جوش برگزار می شود در چند مرحله تکرار می شود:

۳_۷_۱ خه به ر (خبر xeber)

این مراسم نوید دهنده آغاز جشن بزرگ « پیرشالیار » است و در اولین روز پنج شنبه ماقبل ۱۵ بهمن (اواسط زمستان) برگزار می شود. این مراسم به دو شیوه است: « ۱- اعلام آن روز جمعه توسط روحانی محل (مه لا) و خطبه ای در مورد مقام والای پیرشالیار و کرامت های او خوانده می شود. ۲- وه زبان (wezeban) در بعد ظهر همان روز متولیان املاک پیرلاخیلو و گزیرا (Xelugizyra) طایفه گزیرا گردوهای انبار شده سال قبل را بین مردم محله تقسیم می کنند و این کار برای مردم محله خیر و برکت می آورد» (محمود پور : ۱۲_۱۳۹۴: ۱۲۲). این مراسم از روستای پیر شروع می شود و کودکان به در خانه های روستا می روند و از مردم خوراکی و شیرینی می گیرند و این مراسم تا پایان روز ادامه دارد.

مردم منطقه معتقد هستند که توزیع گردو یک منشا اسطوره ای دارد و این کار نوعی شکرگزاری برای تولد «باباخداداد» که از پیرهای مشهور محله است انجام می شود.

۳_۷_۲ کوتاه کوتاه (k tek.te)

بعد از توزیع گردو تا روز سه شنبه هیچ مراسمی برگزار نمی شود و در روز سه شنبه جوانان و نوجوانان به چهره خود ماسک می زنند و در میان محله های روستا با صدای (کوتاه کوتاه) فریاد می زنند و از مردم شیرینی و تنقلات و پول دریافت می کنند. مردم منطقه معتقد هستند که این مراسم ریشه اسطوره ای دارد و تنها برای شوخی و سرگرمی میان جوانان محله برگزار می شود.

۳_۷_۳ قه لاروچنی (qelarohe)

این مراسم در روستای « سروپیری » serupiry توسط نوجوانان و کودکان بزرگ برگزار می شود. آنها جلوی خانه ها می روند و با صدای بلند فریاد می زنند؛ « ای صاحب خانه به تولد خیر و شر شاد شوید، که منظورشان صاحب فرزند خیر و شر است، اهالی خانه به استقبال آنها می روند و

به آنها هدیه می دهند. مردم منطقه معتقد هستند اجرای این مراسم موجب خوشحالی پیرشالیار می شود» (محمود پور؛ ۱۳۹۴: ۱۳۷).

۳_۸_ مراسم قربانی

قربانی کردن به عنوان یک عمل فرهنگی و مذهبی با ریشه‌ها عمیق فرهنگی در تاریخ بشر وجود دارد و به عنوان نمادی از ارتباط انسان با طبیعت، خدایان و جامعه در نظر گرفته می‌شود. این عمل در جوامع مختلف با معنایی و اهداف متفاوتی انجام می‌شود. مراسم قربانی در ایران باستان اهمیت ویژه‌ای داشت. آریایی‌ها برای عناصر اهریمنی قربانی نمی‌کردند، بلکه بیشتر برای الهگان و خدایان سود رسان انجام می‌دادند. این قربانی‌ها بیشتر از همه برای زمین «آناهیتا» انجام می‌دادند. «اقوام آریایی برای ستایش طبیعت و عناصر طبیعی، مانند؛ خدایان، رب النوع‌های حاصل خیزی، زمین، وفور نعمت، حامی گله‌ها و چشمه ساران این قربانی‌ها را انجام می‌دادند. آنها حیواناتی مانند گاو، گوسفند، بز، شتر و حتی انسان را تقدیم معبد می‌کردند. این مراسم مذهبی و اعتقادات ماورا الطبیعه نزد بومیان ایران فقط برای تامین مادیات زندگی بوده است. پرستش خدایان برای تقویت حس پرهیزگاری، پاکدامنی یا تامین توشه آخرت نبوده است، بلکه انجام این مراسم مذهبی و تقدیم هدایا و قربانی‌ها برای فراوانی محصول، باران، مساعده، پیروزی جنگ، کامیابی‌های عاشقانه، زبانی اولاد و دستیابی به موفقیت‌های روزانه انجام می‌دادند.» (راوندی؛ ۷۲-۱۳۵۷: ۷۳). در مراسم عید پیرشالیار هر ساله حیواناتی همچون گاو، گوساله، بز، گوسفند و بره را مطابق آیین و روش خود قربانی می‌کنند. قربانی کردن حیوانات در مکانی مشخص انجام می‌شود و در قبال این حیوانات قربانی هیچ گونه پولی دریافت نمی‌شود و این مراسم قربانی بنابر گفته شاهدان در خانه قدیمی پیرشالیار برگزار می‌شود.

۳_۹_ ازدواج مقدس_ عروسی پیرشالیار

ازدواج مقدس از نظر اسطوره‌ای دارای ریشه‌های عمیق معنوی است که اشاره به پیوند بین زمین و آسمان دارد و یا پیوند بین خدایان و انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود و با مفهوم باروری و تولید مثل مرتبط است. قدیمی‌ترین مدارک درباره آیین ازدواج مقدس به هزاره سوم پیش از مسیح و احتمالاً به عصری مقدم بر آن می‌رسد، در اواخر هزاره سوم پیش از مسیح بنابر متولی که از دوره

«شولگی^۱ در دست است، شاه، زیر نام امه اوشومگل_ انه، کهن نمودگ ازدواج مقدس تموز» موزی را با ایشتر (اینین_ اینانا) تکرار می کرد، مراسم این عید در دوره ی سومری از پنج عامل تشکیل می شود: فراهم آوردن مقدمات، به گرمابه رفتن آیینی، سرودهای عاشقانه خواندن، ازدواج مقدس و تصمیم گیری درباره سرنوشت شاه کشور در سال بعد بود» (بهار؛ ۱۳۷۵: ۴۲۳).

ملا عبدالله در مورد ازدواج پیرشالیار این چنین می گوید: «زمانی که پیرشالیار آثار دیانت و کیاست از ناصیه او پیداشده بودند و پیر پیران و قطب هر دو جهان گردیده بود، در زمان پادشاهی شاهنشاه ایران آوازه قدرتش را شنید، دخترش که به بیماری جنون مبتلا شده بود را به هورامان اعزام کرد، تا از برکات او سلامتش را به دست آورد. وقتی شاهزاده به روستای بلبر رسید احساس می کند که بهبود یافته است. وقتی شاهزاده به خواب می رود، در خواب حضرت پیر را می بیند. جایگاه استراحت شاهزاده، در جایی به نام (سروته) که در زبان هورامی یعنی شفا یافته است. بعد وزیر به پیر می گوید: شاه دستور داده است که هر کس دخترم را مداوا کند، او را به نکاحش در می آورد. اما پیر امتناع می کند. اما دختر پادشاه تمام شرایط را قبول می کند و با پیر ازدواج می کند. پس حضرت پیر برای مصلحت قوم خود ازدواج با شاهزاده را قبول می کند و در اول حوت شاهزاده را به عقد خود در می آورد. در هورامان این شب را، شب قوم می نامند و هر ساله به یاد و بزرگداشت آن عروسی در خانه حضرت پیر، مراسم و جشن برگزار می شود. عروسی پیر همزمان با حکومت امیر سعید (امیر جیا شاه) و شرکت عمویوسف و بابا مردوخه و پیر علی و پیر خالد و چند پیر دیگر صورت گرفت» (هورامی؛ ۳۶۶_۱۳۸۶: ۳۶۷).

۳_۱۰_ رقص در مراسم پیرشالیار

رقص یکی از قدیمی ترین اشکال بیان انسانی است که در فرهنگ های مختلف به عنوان یک عمل هنری، اجتماعی و مذهبی شناخته می شود. ریشه های اسطوره رقص به تاریخ باستان بر می گردد. از جمله ابعاد اسطوره ای می توان به عبادت و پرستش خدایان، عالم باروری و کشاورزی، اجتماع و همبستگی اشاره کرد و به عنوان بخش اساسی از تجربه انسانی و فرهنگی شناخته می شود. همه رقص ها در اصل مقدس بودند، یعنی نمونه و الگوی فوق بشری داشته اند. هدف از اجرای این رقص ممکن است برای به دست آوردن زاد و توش بزرگداشت مردگان و یا استقرار نظم موزون در

^۱ shulgi.

گیتی باشد. حرکات موزون رقص در حیطه ای خارج از زندگی دنیوی و حیات ناسوتی بشر قرار دارد، خواه این حرکات نمایشی باشند، یا اینکه رمزی باشد و نمایانگر حرکت و گردش ستارگان و یا اینکه خود آنها موجب پیدایش اعمال آیینی باشد. به هر حال رقص و پایکوبی همواره یا رفتار نمودجی را تقلید می کند و یا لحظه اساطیری را احیا می کند و در یادها زنده می گرداند. در یک کلام رقص از یک تقلید، یک دوباره امروزی کردن آن روزگار آغازین است» (چالپاده؛ ۴۳-۱۳۸۴:۴۴).

در آیین اسلام هیچ گونه نمونه و شاهدی مبنا بر رقص و پایکوبی وجود ندارد. اما در آیین زرتشت بنابر شواهدی که باستان شناسان از روی تصاویر حک شده روی مهرهای سنگی کشف کرده اند، رقص و پایکوبی وجود داشته و زنان هم در این رقص ها شرکت داشته است. «اما پارت ها در موقع پیروزی در جنگ ها به رقص و پایکوبی می پرداختند و زنان هم در آن مشارکت نداشتند و پیشینه این مر به اعتقاد میتراپی در غرب ایران باز می گردد.» (محمودپور؛ ۱۳۹۴:۱۹۹) اما رقص مراسم پیرشالیار در شکلی مذهبی و عارفانه برگزار می شود، «رقص، پیرشالیار یک نوع رقص دسته جمعی است، که به آنها احساس مشترک روحانی و عرفانی دست می دهد. مردان شرکت کننده در رقص به صورت دایره ای دستان همدیگر را می گیرند و رهبر این رقص شخصی به نام «سرچوبی» آغاز کننده رقص است. در هورپرای (رقص) پیرشالیار، رقصندگان ابتدای پای راست خود را حرکت داده و هنگام بر زمین نهادن سینه و سر و گردن خود را چند درجه خم کرده، سپس به همان حالت اولیه بازگشته، آنگاه پای دیگر خود را هم چنان می کنند. این شیوه به سماع در لرستان بسیار نزدیک است.» (محمودپور؛ ۱۳۹۴:۲۰۰)

در رقص پیرشالیار هر یک از طوایف هورامان جایگاه مشخصی در رقص دارد. کسانی که در رقص شرکت می کنند، هنگام رقص چشمان خود را می بندند تا خلسه روحانی مراسم بر روحشان حاکم شود. نوای دف زن ها شور و حرارت عارفانه ای به دروایش می دهد و دروایش با گفتن «الله الله» به حالت رقص و سماع می روند. دف زنان در این مراسم با زبان هورامی و کوردی اشعاری در مدح پیامبر (ص) و مشایخ و پیرشالیار می سرایند. نکته قابل ذکر در این مراسم که قابل توجه است عدم حضور زنان در این مراسم است و به زنان اجازه حضور نمی دهند و می توان گفت که

ریشه این امر به آیین میتراپی و اسلام بر می گردد و بنابر آیین و مذهبشان حضور زن را در این مراسم منع می کند.

محمودی در کتاب خود این چنین استدلال می کند که؛ «زنان از نظر فیزیکی نسبت به مردان در سطح پایین تری قرار دارند و طی این مراحل در توان آنها نیست و علاوه بر این مهمترین وظیفه زنان حفظ تداوم نسل و پرورش فرزندان است که شرکت در این آیین ها وی را از انجام آن باز می دارد و بنابراین به زنان اجازه طی کردن مراحل عرفانی را نمی دادند.» (محمودی؛ ۱۳۵۷: ۸۹). درویش پس از انجام رقص خود، به یک حالت خلسه مانند می رسند و در این موقع به آنها حالتی دست می دهد و کارهای خارق العاده انجام می دهند، که مخصوص عارفان و صوفیان است. آنها زمانی از خود بی خود می شوند، شروع به سیخ و کارد زدن بر بدن خود می کنند و به بلعیدن سنگ و چاقو و راه رفتن روی زغال و دست می زنند، در نهایت پس از اتمام این مراسم شرکت کنندگان به خانه پیر می روند و در آنجا غذای مقدس (نان ساجی) می خورند و در پایان مراسم صندوقی که محل نگهداری یادگاری پیرشالیار است باز می کنند و به هر یک از طوایف یادگاری می دهند.

نتیجه گیری

سرزمین حاصلخیز و پربرکت هورامان یکی از مناطق مهم باستانی و اسطوره ای است که قدمتی به درازای تاریخ دارد. از آثار باستانی این منطقه گرفته تا آداب و رسوم، فرهنگ، اعیاد و مراسم ریشه باستانی و اسطوره ای دارد. مراسم پیرشالیار، که یکی از مراسم باستانی این منطقه است، ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد. با توجه به مطالعات انجام شده، می توان به وضوح ریشه و ردپای آیین مهرپرستی و میترائیسم را در این مراسم مشاهده کرد.

این مراسم اگرچه با ورود اسلام به ایران دچار تغییر و تحول شده و رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته است، اما همچنان اصالت و قدمت خود را حفظ کرده است. حضور گسترده و خودجوش مردم منطقه در این مراسم و انجام دادن مراحل آن مطابق زمان مشخص شده و در نهایت رقص دسته جمعی درویش و عارفان در این مراسم نشان دهنده اتحاد و پیوستگی مردم منطقه است و همبستگی مردم را نشان می دهد، مراسمی که مختص یک قشر یا طبقه خاصی نیست بلکه تمام مردم از هر قشری به نوبه خود در این مراسم باشکوه و باستانی شرکت می کنند و هر ساله با اجرای

مراسم، آن را زنده نگه می دارند. انجام این مراسم توسط مردم منطقه بستر مناسبی برای زنده نگه داشتن فرهنگ، باورها و آیین های باستانی شده است. پیر شالیار به عنوان یک شخصیت اسطوره ای و تاریخی، نماد هویت فرهنگی و معنوی مردم هورامان است. بررسی ریشه های اسطوره ای نشان می دهد که این شخصیت تجلی باورهای مشترک اسطوره ای و تاریخی مردم منطقه است. آیین ها و داستان های مرتبط با پیرشالیار نه تنها بیانگر پیوند عمیق مردم هورامان با اسطوره ها و طبیعت است، بلکه نمادی از پایداری فرهنگی این منطقه در برابر تغییرات تاریخی به شمار می رود.

فهرست منابع

- _____ _الیاده، میرچاه، (۱۳۸۱) اسطوره، رویا، راز، تهران، انتشارات: علم
- (_____ _۱۳۸۴) (اسطوره بازگشت جاودانه، ترجمه، بهمن سرکاراتی، تخران، انتشارات: طهوری
- (_____ _۱۳۷۵) (مقدس و نامقدس، ترجمه، نصرالله رنگویی، تهران، انتشارات: سروش
- _____ _بهار، مهرداد (۱۳۷۵) پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، انتشارات: آگاه
- _____ _دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) بغت نامه، انتشارات: دانشگاه تهران
- _____ _دلپاک، بهرام و گیلانی، نجم الدین (۱۴۰۰) بازمانده آیین ها و جشن های دوران کهن در هورامان و کردستان، مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال سیزدهم، شماره پنجاهم، صص ۷۷-۱۰۲
- _____ _روحانی، بابا مردوخ، (۱۳۸۲)، تاریخ مشاهیر کورد، جلد اول، تهران، انتشارات: صدا و سیما
- _____ _روح الامینی، محمود (۱۳۷۶)، آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز، تهران، انتشارات: آگاه
- _____ _ستاری، جلال، (۱۳۷۴)، مجموعه اسطوره و رمز، تهران، انتشارات: سروش
- _____ _سحابی، جلیل و دیگران (۱۳۹۷)، نشانه شناسی مراسم آیینی پیرشالیار در منظر فرهنگی هورامان، ماهنامه باغ نظر، صص ۱۷-۳۰
- _____ _شوالیه، ژان (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، اساطیر و رؤیاها، ترجمه؛ سودابه فضایی، انتشارات: جیحون

- شیدا، عبدالله، (۱۳۸۳)، تاریخ سلاطین هورامان، سنندج، انتشارات: پرتو بیان
- شاهسوارانی، وحید و ارغوانی، شیوا، تحلیل ساختاری و محتوایی رقص پیرشالیار. دانشگاه آزاد اسلامی تهران، همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی
- صفی زاده، صدیق، (۱۳۷۸)، تاریخ کرد و کردستان، تهران، انتشارات: آینه
- صفریان، کامل، (۱۳۸۵)، یادداشت های پیرامون مهرپرستی در کردستان، سنندج، انتشارات: پرتو بیان
- کاوندیش، ریچارد (۱۳۸۷)، اسطوره شناسی، دایره المعارف مصور اساطیر و ادیان مشهور جهان، ترجمه، رقیه بهزادی، تهران، انتشارات: علم
- مصطفوی، علی اصغر و آناهیتا، (۱۴۰۰)، اسطوره های قربانی تهران، انتشارات: امید سخن
- مک کال، هنریتا (۱۳۷۳)، اسطوره بین النهرینی، ترجمه؛ عباس مخبر، تهران، انتشارات: نشر مرکز
- محمودی، سارا (۱۳۱۳)، پیرشالیار هورامان، مریوان، انتشارات: نه وین
- محمودپور، رئوف، (۱۳۹۴)، پیرشالیار و جشن های باستانی پیر در هورامان، تهران، انتشارات احسان
- وان بروین سن، مارتین، (۱۳۹۳)، جامعه شناسی مردم کورد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات: پایبند

references

- Eliadeh, Mirchah, (2011) Myth, Dream, Secret, Tehran, Publications: Alam
- (۱۳۸۴) ____ The Myth of Eternal Return, translated by Bahman Sarkarati, Tehran, Publisher: Tahori
- (۱۳۷۵) ____ Sacred and Unholy, translated by Nasrullah Rangooi, Tehran, Publications; Soroush
- Bahar, Mehrdad (1375) Research in Iranian Mythology, Tehran, Publications: Aghaz
- Dehkhoda, Ali Akbar (1373) Baghatnameh, Publisher: University of Tehran
- Delpak, Bahram and Gilani, Najmuddin (1400) Remnants of Ancient Rituals and Celebrations in Horman and Kurdistan, Studies in Cultural

History, Journal of the Iranian History Society, 13th year, 50th issue, pp. 102-77

Rouhani, Baba Mardokh, (1382), History of Kurdish celebrities, Volume 1, Tehran, Seda Va Sima Publications

Rooh Al-Amini, Mahmoud (1376), Rituals and Ancient Celebrations in Iran Today, Tehran, Publisher: Aaghar

_Satari, Jalal, (1374), Astoreh and Ramez Collection, Tehran, Soroush Publications

_Sahabi, Jalil and others (2017), Semiotics of Pirshalyar Ritual Ceremonies in Horaman Cultural Landscape, Bagh Nazar Monthly, pp. 30-17

Chevalier, Jean (2012), Culture of Symbols, Myths and Dreams, translation; Sudaba Fazali, Publications: Jihoon

Shida, Abdullah, (1383), History of Sultans of Huraman, Sanandaj, Publisher: Parto Bayan

_Shaheswarani, Vahid and Arghwani, Shiva, structural and content analysis of Pirshalyar dance. Tehran Islamic Azad University, international conference on innovation and research in arts and humanities

_Safizadeh, Sediq, (1378), Kurdish History and Kurdistan, Tehran, Publications: Aine

_Safarian, Kamel, (2008), Notes on Love Worship in Kurdistan, Sanandaj, Publisher: Parto Bayan

_Cavendish, Richard (2007), Mythology, illustrated encyclopedia of myths and famous religions of the world, translation, Ruqieh Behzadi, Tehran, Publisher: Alam

_Mostafavi, Ali Asghar and Anahita, (1400), Myths of Tehran Victims, Publications: Omid Sokhn

McCall, Henrietta (1373), Mesopotamian mythology, translation; Abbas Mokhbar, Tehran, Publications: Nash Karzan

_Mahmoudi, Sara (1313), Pirshalyar Horaman, Marivan, Publishers: Aevin

Mahmoudpour, Rauf, (2014), Pirshalyar and the ancient festivals of Pir in Horaman, Tehran, Ehsan Publishing House

Van Bruysen, Martin, (2013), Sociology of the Kurdish People, translated by Ebrahim Younesi, Tehran, Publisher: Payband

Exploring the Mythological Roots of the Pirshalyar Ceremony

Nasrin Mohammadi Sarab

PhD student in Persian Language and Literature, Kurdistan Studies Research Center,
Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Abstract

Pirshalyar ceremony is an ancient festival with mythological roots, this ceremony goes back to the era before Islam and even Zoroastrianism. The Pirshalyar ceremony is not just a symbolic, accidental and village game, but is rooted in the culture and religion of the people of this region. Because myths recount the workings of the supernatural, they are more powerful than stories and visions. In this research, an attempt has been made to investigate the mythological roots of the Pirshalyar ceremony using descriptive-analytical methods and to show a corner of this ancient civilization. Horaman region is an ancient and mythical land and has historical places including; Horaman Temple, Kumsa Stone, Kat Castle and Pirshalyar Tomb. The dance and hearing that is performed in this ceremony has a mystical path that is rooted in Mithraism. In this ceremony, because of its sanctity, the presence of women has been forbidden. In the ancient myths, especially of the Kurdish people, the idea of Madina (being a mother) for the earth goes back to the discovery of agriculture and the beginning of cultivation, for this reason, ancient people have tried to use magical practices and special ceremonies to increase the power of yielding and blessing the earth. increase Pirshalyar ceremony is also a part of this ancient ceremony. Although this ceremony has changed with the arrival of Islam, it is celebrated every year with greatness and has maintained its legendary status. Pirshalyar ceremony in Horaman, while transferring the cultural heritage and ancient tradition, shows the unity and connection of the rituals of the people of this region with agriculture and nature, and it is indicative of the deep roots of this ritual in the local culture, and it shows their connection with nature and fertile forces.

Key words: Pirshalyar, Horaman, myth, Mithraism, dance